

"بررسی مناسبات فرهنگی - تمدنی ایران و اتیوپی از ظهور اسلام تا پایان عصر صفویه"

دکتر امیربهرام عرب احمدی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران - مدیر گروه مطالعات جنوب آفریقا دانشکده مطالعات جهان

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۱۴

چکیده:

در این مقاله مناسبات فرهنگی تمدنی دو کشور تاریخی ایران و اتیوپی از آغاز اسلام تا دوره معاصر (با تمرکز بر چند سده اخیر) و بر اساس منابع موجود مورد بررسی قرار گرفته است. سؤال اصلی این مقاله "چه عواملی کنشگران اصلی در فرآیند تعامل فرهنگی اجتماعی دو کشور بشمار می روند؟" و فرضیه اصلی نیز "تاثیر و تاثر متقابل فرهنگی دو ملت ایران و اتیوپی بر یکدیگر" است. چارچوب مقاله بر نظریه "تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف" دکتر لهسایی زاده استوار گشته و نتایج اجتماعی فرهنگی حاصل از آن متغیرهای مستقل پژوهش قلمداد می شوند. هدف مقاله نیز ارائه اطلاعاتی بکر و دست اول در مورد روابط فرهنگی دو کشور و طرح دیدگاهی نو در مورد مناسبات دو کشور طی چند سده اخیر است. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی، میدانی است و نویسنده تلاش کرده است با بهره گیری حداکثری از منابع موجود؛ اطلاعات بکر و دست اولی در خصوص روابط فرهنگی تمدنی دو کشور که منجر به دانش افزایی در این زمینه می شود را ارائه نماید. هدف مقاله نیز واکاوی و ارائه اطلاعاتی بکر و دست اول در مورد روابط فرهنگی دو کشور، ارائه پاسخی مستدل و علمی به سؤال اصلی و ارائه دیدگاهی نو و بدیع در مورد مناسبات دو کشور طی چند سده گذشته است.

کلید واژه‌ها: اتیوپی، ایران، تعامل فرهنگی، امهریک، واژه های فارسی،

مقدمه :

کشور ایران با تاریخ و تمدن عظیم خود از دیرباز فراز و فرودهای بزرگی را در مناسبات با دیگر اقوام و ملت ها تجربه کرده است که بخشی از این فراز و نشیب ها به تاریخ ایران باستان و بخشی نیز به دوره بعد از اسلام بازمی گردد. این روابط هرچند گاه توأم با جنگ و ستیز و گاه مسالمت جویانه بوده است با این حال در درون خود ارتباط بین ایرانیان و بیگانگان را در عرصه های مختلف فرهنگی اجتماعی و نتایج درخشان حاصله از آن رقم زده است .

کشور اتیوپی از کشورهای مهمی است که علیرغم بعد مسافت ، از دیرباز تاکنون ارتباطاتی در عرصه های مختلف بین این کشور و ایران وجود داشته است با این حال کنکاش و واکاوی در مورد این روابط در داخل کشور مورد غفلت قرار گرفته است . در کتب تاریخ ایران معمولاً روابط ایران و اتیوپی در لشکرکشی کمبوجیه دومین پادشاه هخامنشی به مناطق شمالی این کشور و جنگ نیابتی مختصر دو کشور در یمن در دوره خسرو انوشیروان ساسانی خلاصه می گردد با این حال کمتر اطلاعاتی در مورد روابط دو کشور بعد از اسلام و مهاجرت گروه هایی از ایرانیان و اتیوپیایی ها در چند قرن گذشته (که مناسبات فرهنگی اجتماعی دو کشور را بنحو قابل ملاحظه ای گسترش بخشید) وجود دارد .

در این مقاله سعی شده است مناسبات فرهنگی و تمدنی دو کشور ایران و اتیوپی با تکیه بر اطلاعات موجود در قالب موضوع اصلی مورد بررسی قرار گیرند. همچنین نویسنده تلاش کرده است سؤال مطروحه مبتنی بر آن که "چه عواملی کنشگران اصلی در فرآیند تعامل فرهنگی اجتماعی دو کشور بشمار می روند؟" و فرضیه اصلی "تاثیر و تاثر متقابل فرهنگی دو ملت ایران و اتیوپی بر یکدیگر" را بطور مشروح و مستدل و بر اساس مستندات موجود پاسخ دهد. چارچوب نظری این مقاله نیز بر نظریه "تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف" دکتر لهسایی زاده (Lahaee Zadeh, 2001:54-) ۵۵) استوار گشته است . دکتر لهسایی زاده در این نظریه یکی از پیامدهای عمده ارتباطات بین‌المللی را آشنایی مهاجران با فرهنگ و تمدن‌های مختلف دانسته است که به تدریج به تعاطی فرهنگی و پدید آمدن فرهنگ‌هایی والا منتج می شود . وی غلبه انگیزه های اقتصادی را از عوامل اصلی جریان

های مهاجرت دانسته و بر مبنای این چهار اصل که "مهاجران چه کسانی بوده، چرا مهاجرت کرده اند، به کجا مهاجرت کردند و چه پیامدهایی بدنبال داشته اند" تأکید کرده است تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف در کشورهایی که تحت تأثیر مهاجرت های عناصر خارجی با فرهنگ برتر قرار گیرند به نوعی موجب استیلای فرهنگی قوم مهاجر بر ساکنان بومی می شود. (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: خلاصه ای از صفحات مختلف)

روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی، میدانی است و نویسنده تلاش کرده است با بهره گیری حداکثری از منابع موجود؛ اطلاعات بکر و دست اولی در خصوص روابط فرهنگی تمدنی دو کشور که منجر به دانش افزائی در این زمینه می شود را ارائه نماید. هدف مقاله نیز واکاوی و ارائه اطلاعاتی بکر و دست اول در مورد روابط فرهنگی دو کشور، ارائه پاسخی مستدل و علمی به سئوال اصلی و ارائه دیدگاهی نو و بدیع در مورد مناسبات دو کشور طی چند سده گذشته است. در ارتباط با پیشینه این بحث قابل ذکر است صرفنظر از مقاله نسبتاً قدیمی دکتر علاالدین آذری در ارتباط با "روابط ایران و اتیوپی در قبل از اسلام"^۱، کتاب سبز اتیوپی وزارت امور خارجه و یک تا دو مقاله نه چندان علمی که طی دو دهه اخیر در نشریات داخلی منتشر شده اند از جمله مقاله آقای محمدرضا تارتار تحت عنوان "نگاهی به تاریخچه روابط ایران و اتیوپی"^۲ و مقاله "روابط اقتصادی ایران و ترکیه با اتیوپی" تألیف آقای علی شیخ علی^۳ تاکنون تحقیقی در مورد مناسبات فرهنگی اجتماعی دو کشور ایران و اتیوپی در داخل و حتی خارج کشور بصورت مستقل انجام نشده است. از این روی پژوهش گر با جمع آوری اطلاعات پراکنده موجود نهایت تلاش خود را

^۱ - این مقاله ارزشمند در سال ۱۳۵۰ در "مجله بررسی های تاریخی" به چاپ رسیده و نویسنده عمدتاً به لشکرکشی کمبوجیه دومین پادشاه هخامنشی به شمال اتیوپی و حمله ایران به یمن در دوره خسرو انوشیروان ساسانی پرداخته است.

^۲ - این مقاله در سال ۱۳۹۱ در "ماهنامه روابط فرهنگی (ویژه نامه آفریقا)" سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی منتشر شده و نویسنده روابط دو کشور در عرصه های مختلف (بویژه در ارتباط با موافقت نامه های فرهنگی امضا شده بین طرفین در دو دهه گذشته) را به گونه ای گذرا مورد بررسی قرار داده است.

^۳ - این مقاله در سال ۱۳۸۳ در "فصلنامه مطالعات آفریقا" وزارت امور خارجه منتشر شده و موضوع اصلی آن حول محور مناسبات اقتصادی ایران و اتیوپی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است.

انجام داده تا بر مبنای سؤال مطرح شده و دغدغه پژوهشی خود در محدوده تعاملات فرهنگی دو کشور بویژه در ارتباط با اشتراکات زبانی و موسیقائی اطلاعات ارزشمندی در اختیار پژوهشگران داخلی قرار دهد .

در این مقاله با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی ، میدانی و بر اساس سؤال اصلی تلاش شده است عوامل تاثیرگذار بر فرآیند تعامل فرهنگی اجتماعی دو کشور مورد بررسی قرار گیرند.

۱- بررسی اجمالی پیشینه مناسبات ایران و اتیوپی تا دوره صفویه :

اتیوپی از معدود کشورهای قاره آفریقا است که پیشینه مناسبات آن با ایران به هزاران سال قبل باز می گردد. اطلاعاتی از روابط ایران و اتیوپی در دوره قبل از هخامنشیان موجود نیست و تقریباً هیچ اشاره ای به مناسبات دو کشور قبل از تاسیس سلسله هخامنشیان در منابع قدیمی یونانی و رومی نشده است .

آغاز ارتباط ایران و اتیوپی به سلطنت کمبوجیه (۵۲۹-۵۲۲ ق.م) دومین پادشاه هخامنشی و لشگرکشی وی به خاک مصر باز می گردد . (Amini,2010:64) کمبوجیه پس از فتح مصر و مناطقی از لیبی امروزی ، تصمیم به تصرف حبشه گرفت (پیرنیا ، ۱۳۴۵ : ۲۵۸) و در راس سپاهی رهسپار این سرزمین اسرارآمیز گردید . بجا این حال پادشاه ایران هنوز یک پنجم راه را نپیموده بود که با اتمام آذوقه و مواجه شدن با طوفان شن ، از ادامه لشگرکشی به حبشه منصرف شد و پس از آن که قسمت بزرگی از سپاه خود را از دست داد به شهر تب‌بازگشت . (Budge,2015:88) کمبوجیه علیرغم بازگشت به مصر ، قسمت های شمالی حبشه را به متصرفات خود در مصر الحاق نمود و بعدها برخی از حبشیان به عنوان سرباز در ارتش ایران به کار گرفته شدند. در برخی منابع نیز گفته شده است کمبوجیه در مسیر لشکرکشی به اتیوپی در ناپاتا که امروزه در شمال سودان قرار

۴- در آن عهد روایات رازآلودی در مورد سرزمین اتیوپی و مردمان آن در افواه عمومی شایع بود که هرودت نیز به

برخی از این داستان ها اشاره کرده است ، (Herodotus,7.17-27)

۵ Thebes یکی از پایتخت های معروف مصر در دوره فراعنه.

دارد شهری به نام مروئه^۶ بنیان نهاد. (Amini, 2001:65) مناسبات ایران و اتیوپی در دوره حاکمیت داریوش هخامنشی ادامه یافت (۵۲۱-۴۸۶ ق م) و فرمانروایان ایرانی مستقر در مصر بخش هایی از حبشه، ناپاتا و سومالی فعلی را ضمیمه خود ساختند. در آن عهد شهر «الفاتین» در شمال حبشه مرکز پادگان نیرومند ایران بود و حبشی ها هر سال خراج عاج و آبنوس به دربار ایران می پراختند. داریوش در کتیبه بیستون "سنگ نبشته بغستان" (Dandamaev, Kohl, 2004:102) و نقش رستم از سرزمین کوش (حبشه) بجه عنوان جزئی از امپراتوری خود یاد کرده است. (زرین کوب، ۱۳۹۱: ۲۱) استفاده از عاج کوشی ها (حبشی ها) در یکی از کتیبه های کاخ داریوش در شوش نیز مورد تایید قرار گرفته (Kent: 143) و بنوبه خود دریافت این کالای گرانبها را در قالب هدیه ای ارزشمند به اثبات می رساند.

آخرین فراز در مناسبات هخامنشیان با اتیوپی به سلطنت خشایارشا (۴۸۶-۴۶۶ ق.م) باز می گردد که به گفته هرودت گروهی از حبشیان در لشکرکشی عظیم ایران علیه یونان شرکت کردند. (Morkot, 1991: 328) اطلاعاتی از روابط ایران و اتیوپی در دوره اشکانیان موجود نیست و هرچند در این دوره پادشاهی آکسوم در یکی از امپراطوری های بزرگ جهان آن روز به شمار می رفت (Kobischanov, 1979: 55) با این حال در هیچ یک از منابع به مناسبات پادشاهی های اشکانی و آکسوم پرداخته نشده است. مناسبات ایران و اتیوپی در دوره ساسانیان (۶۵۲-۲۲۶ میلادی) کمی توسعه یافت و مسائل تجاری و دریانوردی و حتی مسائل مذهبی در گسترش این روابط تا حدودی تأثیرگذار بود. در اوایل دوره ساسانیان در دوره حاکمیت شاپور ساسانی، مانی مصلح اجتماعی (موسوم به پیامبر) پادشاهی آکسوم را یکی از چهار امپراطوری بزرگ جهان و یکی از مراکز عمده تجاری خوانده است که به گفته وی راه های تجاری دریایی در این مکان با خطوط بازرگانی منتهی به مناطق داخلی آفریقا با هم تلاقی می یافته اند. (Stuart, 2002:60) یکی از معدود ارتباطات دو پادشاهی در زمان سلطنت قباد اول (۴۸۸-۵۳۱ م) پدید آمد و امپراتور حبشه برای رفع اختلافات نصارای ایران نمایندگانی روحانی به ایران گسیل داشت. در این دوره دولت

^۶ Merowe

^۷ Kush

اتیوپی که دارای ناوگان دریایی بزرگی بود در دریا‌های جنوب در زمینه بازرگانی بنای رقابت با ایران را نهاد و به علت هم‌کیشی با رومیان همواره جانب روم را می‌گرفت. (آذری، ۱۳۵۰: ۱۵۸-۱۴۱) در دوره خسرو انوشیروان پس از تشدید رقابت‌های طرفین در موضوع تجارت بویژه ابریشم و تسلط بر راه‌های دریائی که منجر به تصرف کوتاه مدت یمن توسط اتیوپیائی‌ها گردید؛ جنگی بین دو کشور در یمن بوجود آمد که موجب تسلط ایرانیان بر سرزمین راهبردی یمن تا زمان فتح یمن توسط اعراب مسلمان گردید. (Shaffer, 2015: 122)

۲- روابط دو کشور در دوره صفویه:

پس از قطع مناسبات دو کشور بمدت صدها سال که از فروپاشی ساسانی تا قرن هفدهم بطول انجامید، در اواسط قرن هفدهم میلادی در دوره حاکمیت سلسله صفویه بر ایران بار دیگر روابط اندکی بین پادشاهان صفوی و سلاطین اتیوپی برقرار گردید که صرفاً محدود به حضور دو هیات از اتیوپی در ایران با هدف توسعه مناسبات تجاری بود که البته با استقبال پادشاهان صفویه مواجه نگردید (Van Donzel, 1979: ۱۳۹) در این سده فرستاده‌ای از سوی فاسیلادوس شاه اتیوپی (دوره حاکمیت ۱۶۶۷-۱۶۳۲) هدایائی را به شاه عباس دوم تقدیم نمود ولی بنا به دلایلی مبهم از دربار شاه اخراج گردید. (Ibid: 36) چند سال بعد فردی ارمنی از سوی یوهانس پادشاه وقت اتیوپی بار دیگر رهسپار دربار صفویه شد. وی هدایایی منجمله یک گورخر به شاه صفوی تقدیم کرد. شاه سلطان حسین صفوی نیز از یوستوس شاه اتیوپی درخواست نمود یک گورخر برای وی ارسال نماید! (Petráček, 1957: 36) در این مقطع زمانی و بطور خاص در قرن هفدهم گروهی از بازرگانان ایرانی نیز به منظور تجارت با اقوام و قبایل مختلف اتیوپی؛ به این کشور مهاجرت نموده (تارتار، ۱۳۹۱: ۴۲) و کلنی‌های بسیار کوچکی را در "هرار" و "دیره داوا" تشکیل دادند. هرچند اطلاعاتی در مورد اینکه این ایرانیان چگونه و از چه مسیری عازم این سرزمین شدند موجود نیست با این حال و با در نظر گرفتن اینکه شهرهای "هرار" و "دیره داوا" در شرق اتیوپی و مجاور با کشورهای امروزی سومالی و جیبوتی قرار دارند می‌توان نتیجه گرفت که این ایرانیان

از طریق خلیج فارس رهسپار اقیانوس هند شده و پس از عبور از خلیج عدن و تنگه باب المندب ، پیمودن کشور سومالی و عبور از بیابان های این منطقه در این دو شهر تاریخی استقرار یافته اند . در منابع دوره صفویه و پس از آن هیچ اشاره ای به مهاجرت گروهی از ایرانیان به اتیوپی نشده است ولی اینکه ایرانیان مزبور بصورت هدفمند در این دو شهر (که از مراکز تمرکز مسلمانان بوده اند) سکونت یافته اند نمایان می سازد آنها از قدیم الایام و در راستای مبادلات تجاری خود به این مناطق سفر می کرده و از شناخت خوبی نسبت به این منطقه برخوردار بوده اند. در نهایت نیز به این نتیجه رسیده اند که با سکونت دائم در اتیوپی و اجراء مدیریت موثر در تبادل کالاهای مختلف بین ایران و اتیوپی (و بین مناطق مختلف) تجارت پرسودتری خواهند داشت و با استقرار در این کشور تاریخ نوینی از مناسبات بین دو کشور را رقم زدند .

۳- مرادوات فرهنگی :

پیشینه مناسبات و مرادوات فرهنگی دو کشور تاریخی ایران و اتیوپی به عهد باستان باز می گردد. استاد شجاع الدین شفا در ارتباط با نتایج فرهنگی لشکرکشی کمبوجیه به شمال اتیوپی خاطرنشان ساخته است: " هنوز یک قبیله ایرانی نژاد به نام « دین گل » که رنگ پوست مردم آن سفید است و افراد آن اغلب اسامی ایرانی قدیم از قبیل رستم و شیرین و غیره دارند در منطقه کوهستانی که مقر سابق پادگان ایرانی این سرزمین بوده سکونت دارند و بعید نیست که آنها بازماندگان همان پادگان هخامنشی باشند . " (شفا ، ۱۳۴۵ : ۳) در منابع اتیوپی و روایات بومیان آفریقایی سواحل دریای سرخ و مناطق اطراف آن در عهد قدیم از ایرانیان به عنوان فارس ها (فارس ها) یاد شده است که مناطق مهمی را در سواحل دریای سرخ اشغال کرده و مخزن هایی را احداث نمودند که برخی از آنها هنوز وجود دارند . روایات بومی ، "سواکن" در مجمع الجزایر "دهلاک" را یکی از مناطقی می دانند که این مخزن ها بدست آمده اند . این روایات یادآور شده اند فارس ها دارای مزارع

^۸-Fors

^۹-Soaken

-مجمع الجزایر دهلاک در دریای سرخ واقع شده و به کشور اریتره کنونی تعلق دارد :^۱

غلات و موز و شهری باشکوه موسوم به "آدگا" ادر کوهستان های مقابل دریا بوده اند . در سنت های "دانکالی" نیز نقل شده است بندر عصب مرکز بزرگ اقامت فارس ها بوده که بعدها توسط مهاجمان قبیله "سونگو" ۲ لایود شد . مطابق با این روایت فارس ها در هنگام ترک عصب تمامی مخزن ها را پر کرده و آنها را پنهان نمودند . (Rossini, 1928 : 295-6) این روایات البته از اعتبار چندانی برخوردار نیستند و تاکنون نیز شواهدی مبنی بر آن که آیا این فارس ها به ایرانیانی که پس از تسخیر یمن طی سال های ۶۲۹-۵۷۲ میلادی در این سرزمین حضور داشتند مرتبط بوده اند یا خیر بدست نیامده است . ویسیکل نیز لقب " شاه شاهان " که پادشاهان اتیوپی بکار می برده و در کتیبه های آکسوم بدست آمده را با لقب باعظمت شاهنشاه ایرانی مرتبط دانسته است . (Vycicle, 1957 : 23) با این حال اثبات اینکه این لقب از ایران باستان به امپراطوری آکسوم راه یافته مشکل است .

پس از این دوره و به دنبال سپری شدن حدود یک هزار سال ؛ (همان گونه که اشاره شد) حضور گروهی از ایرانیان که در قرن هفدهم و با هدف بازرگانی رهسپار این کشور شده و در شهرهای "هرار" و "دیره داوا" مستقر گشتند روابط فرهنگی دو کشور را وارد عرصه جدیدی ساخت . این ایرانیان با وجود اشتغالات تجاری فراوان ، بتدریج و در نتیجه ارتباط دوستانه با بومیان این مناطق تاثیرات فرهنگی قابل ملاحظه ای برجای نهاده و شاخصه هایی از فرهنگ و تمدن ایرانی را به مردمان اتیوپی معرفی کردند . (گفتگو با سیدکاظم مهرنیا رایزن فرهنگی وقت ج.ا.ایران در آدیس آبابا ، دی ۱۳۹۵) از بارزترین تاثیرات فرهنگی ایرانیان مهاجر به اتیوپی می توان به ورود برخی واژه های فارسی به زبان امهریک و استقبال بومیان از این واژه ها اشاره نمود به گونه ای که علیرغم گذشت صدها سال از حضور کمرنگ این ایرانیان در بخش کوچکی از سرزمین اتیوپی ؛ واژه های فارسی به یادگار مانده از آن دوره هنوز در زبان امهریک مورد استفاده قرار می گیرد . مهم ترین واژه

^۱Adga

^۲Songo

های فارسی که به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ماندگار ایرانی در زبان امهریک جای گرفته اند عبارتند از :

فارسی	تلفظ انگلیسی	امهریک
البته	Min Albat	አንዴ በእርግጠኝነት
آناناس	Ananas	አናናስ
موز	Muzi/Mooz	ሙዝ
زنجبیل	Zinjibli	ዝንጅብል
باقاله	Bakela	ባቄላ
شکر	Sikuar	ሱካር
اقیانوس	Wuqiyanos	ውቅያኖስ
کمد	Komedina	ኮሙዲና
عسل	Assal	ላሳር
کبریت	Kibrit	ካብሪት
قفل	Kulifi	ቁልፍ

([http://amharicteacher.com/Words in Amharic/](http://amharicteacher.com/Words%20in%20Amharic/) ۲۰۱۶)

گفته شده است ده ها واژه فارسی امروزه به عنوان لغات اصلی در زبان امهریک کاربرد دارند که تقریباً تمام آنها یادگاری از حضور ایرانیان مهاجر به این کشور در قرن هفدهم میلادی محسوب می شود . (Kane , ۱۹۹۰: ۱۴۱۸) از دیگر تاثیرات فرهنگی تمدنی ایران در کشور اتیوپی که امروزه اثری از آن برجای نمانده شکل گیری نسلی از دورگه های ایرانی اتیوپیائی است . در واقع با توجه به اینکه ایرانیان مهاجر تماماً مرد بوده اند آنها بطور قطع و یقین با زنان اتیوپیائی که در زیبایی در قاره آفریقا سرآمد بودند ازدواج و نسلی از دو رگه های ایرانی اتیوپیائی در شهرهای " هرار " و " دیره داوا " پدید آمده است که البته در گذر زمان در بین بومیان این کشور مستحیل شده اند . (گفتگو با دکتر حسن سعید ، آدیس آبابا ، بهمن ۱۳۹۵) تاسیس برخی عمارات و بناهای یادگاری در شهرهای

هرار و دیره داوا از دیگر اقدامات ماندگار فرهنگی ایرانیان مهاجر است که مطابق با سبک معماری ایرانی ساخته شده و با وجود گذشت صدها سال هنوز استقامت خود را حفظ کرده اند. از شاخص ترین این بناها می توان به "مسجد مشهد" در "هرار" اشاره کرد که سبک معماری اسلامی ایرانی آن کاملاً مشهود است. (گفتگو با سیدکاظم مهرنیا رایزن فرهنگی وقت ج.ا.ایران در آدیس آبابا، دی ۱۳۹۵)

ایرانیان مهاجر در خصوص معرفی دین اسلام به مردم اتیوپی نیز به گونه ای غیرمستقیم نقش آفرین بوده اند و از قرار معلوم عالمی فرزانه موسوم به "شیخ حسین باله" (شیخ نورالدین حسین بن ملکا) یمنی الاصل که با علماء ایرانی نیز در ارتباط بوده برای نخستین بار دین اسلام را به برخی از بومیان "سیدامو" در جنوب شرق این کشور معرفی نمود. از وی به عنوان بنیانگذار اسلام در بخش هایی از اتیوپی (در منطقه باله در ایالت اروما) نیز یاد شده و از سادات هاشمی بوده است که نسل او به امام موسی کاظم (ع) می رسیده است.^{۱۳} شیخ حسین در مدت حضور در اتیوپی که تا زمان درگذشت وی تداوم یافت بسیاری از بومیان را به دین اسلام رهنمون ساخت. پس از مرگ شیخ حسین مسلمانان اتیوپی آرامگاه باشکوهی برای وی احداث کردند و بتدریج شهر کوچکی به نام "دیره شیخ حسین" در اطراف مرقد این روحانی عظیم الشان بنیان نهاده شد.

(Dirre Sheik Hussein Religious, Cultural and Historical Site) / <http://whc.unesco.org>) شهر کوچک "دیره شیخ حسین" امروزه در ایالت "ارومو" قرار دارد و آرامگاه شیخ حسین هم اکنون از مهم ترین ابنیه دینی کشور اتیوپی محسوب می شود به گونه ای که مسلمانان در موقعیت های مختلف رهسپار شهر "دیره شیخ حسین" شده و به زیارت آرامگاه این روحانی پرهیزگار می شتابند. این شهر و آرامگاه شیخ از آن زمان تاکنون هر سال در ماه های ذیحجه و ربیع الاول پذیرای بیش از ۵۰ هزار نفر از مسلمانان اتیوپی است که از راه های دور و

^{۱۳} - مسلمانان اتیوپی معتقدند شیخ حسین از نسل هاشمی بوده و نسبش به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) بازمی گردد. گفته شده که وی نزد برخی از علماء بزرگ ایرانی تلمذ کرده بوده است. (گفتگو با سیدکاظم مهرنیا، رایزن فرهنگی وقت ج.ا.ایران در اتیوپی)

نزدیک و با در دست داشتن عصایی کوچک گرد هم آمده و ضمن زیارت و گرامی داشت مقام شیخ حسین، خدمات و مجاهدت های وی در نشر و توسعه دین اسلام در اتیوپی را ارج می نهند. (Trimingham, 1952: 256-253) ۴ لجالب اینجاست که در قرن هجدهم امیر "عبدالشکور بن یوسف" حاکم وقت شهر هرا ر آرامگاهی در مجاورت مرقد شیخ حسین برای "شیخ عبدالقادر گیلانی" رهبر ایرانی الاصل طریقت قادریه تاسیس نمود و این آرامگاه نیز امروزه از مراکز دینی مهم مسلمانان کشور اتیوپی بشمار می رود. (Ibid: 256) مرقد شیخ عبدالقادر گیلانی در شهر بغداد قرار دارد ولی آنچه مشخص است تاسیس این آرامگاه عمدتاً بدلیل احترام حاکم مزبور به پیروان طریقت قادریه بوده که در آن عهد از جایگاه مستحکمی در شهرهای مسلمان نشین اتیوپی منجمله هرا ر و دیره داوا برخوردار بوده اند. ۵ (مطالعات میدانی نویسنده، آدیس آبابا، دی ماه ۱۳۹۵)

هرچند اطلاعات دیگری در مورد ارتباطات فرهنگی ایران و اتیوپی در قرون هفدهم تا حال حاضر وجود ندارد با این حال شباهت های موجود بین برخی آلات و ادوات موسیقی دو کشور نمایانگر تاثیر پذیری مستقیم یا غیرمستقیم موسیقی اتیوپی از ایران بوده است. در این ارتباط می توان به "دنبک" و مشابه آن در اتیوپی موسوم به "که به رو" ۱۶ "چنگ" و مشابه اتیوپیائی آن "کرار" ۱۷

^{۱۴} - به شیخ حسین معجزات و کرامات زیادی نسبت داده شده که برخی از این کرامات تحت عنوان "رفع القلوب" در کتابی که برخی از بزرگان و قدیسان مسلمان و مسیحی را معرفی و در دهه ۱۹۲۰ میلادی در قاهره منتشر شده نقل گردیده اند. (نویسنده)

^{۱۵} - شیخ عبدالقادر گیلانی عارف، صوفی و محدث ایرانی و موسس سلسله متصوفه قادریه؛ از شخصیت های دینی محبوب مسلمانان شمال، شرق و غرب آفریقا است و بسیاری از پیروان دین اسلام در قاره آفریقا از پیروان این طریقت بشمار می روند. برخی از مسلمانان آفریقایی منجمله اتیوپیائی ها معتقدند شیخ عبدالقادر گیلانی چند سالی در قاره آفریقا زندگی کرده است؛ این در حالی است که مدرک معتبری برای این اظهارات وجود ندارد و به احتمال زیاد سفر شیخ به آفریقا صحت ندارد. (نویسنده)

، "ویولون" و مشابه آن در اتیوپی "ماسینکو" ۸ و "نی" و مشابه آن " واشینت " ۹ شماره کرد . (گفتگو با دکتر کاسای بگاشاو ، آدیس آبابا، دی ماه ۱۳۹۵)

البته همان گونه که اشاره شد هیچ اطلاعاتی درخصوص تاثیرپذیری موسیقی اتیوپی از موسیقی ایران یا بالعکس وجود ندارد با این حال با توجه به قدمت بسیار طولانی دستگاه های موسیقی ایران در مقایسه با موسیقی های آفریقائی و راه یافتن موسیقی ایرانی به مناطقی در سواحل شرق آفریقا توسط مهاجران شیرازی الاصل طی قرون ده تا شانزده میلادی ؛ بطور قطع می توان گفت موسیقی ایرانی بر موسیقی بومی این کشور تاثیراتی برجای نهاده است .

در بررسی تحلیلی این مبحث می توان گفت همان گونه که دکتر لهسائی زاده در نظریه " تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف " خاطرنشان ساخته است ایرانیان مهاجر به عنوان عنصر غالب فرهنگی و برپایه مناسبات خوب و دوستانه خود با بومیان اتیوپی و بدون ایجاد هرگونه حساسیت بخشی از شاخصه های فرهنگی تمدنی ایران را بطور تدریجی و غیر مستقیم در بین آنها رواج دادند به گونه ای که علیرغم گذشت صدها سال هنوز رگه هایی از فرهنگ ایرانی در این کشور بچشم می خورد . به موازات آن ؛ آنچه مسلم است فرهنگ نه تنها بخودی خود حرکت نمی کند بلکه همواره بر بال ابزار فرهنگی و در بستر شاخصه های تجاری ، نظامی یا مذهبی به بار نشسته ، شکوفا و تحرک پذیر می شود . این ابزارهای فرهنگی نیز همانطور که در دیگر مهاجرت های ایرانیان به مناطق مختلف جهان مشاهده شده غالباً بر گرفته از تجارت و بازرگانی بوده است . در خصوص ایرانیان مهاجر به اتیوپی نیز می توان این گونه تحلیل و استدلال نمود که انگیزه تجارت موجب گشت آنان با تکیه بر توانمندی های ملی مذهبی و تجاری خود در سرزمینی ناشناخته در آفریقا سکنی گزیده و در این مسیر که با مخاطرات و مشقات فراوانی همراه بود دستاوردهای فرهنگی تمدنی بزرگی رقم زند . از این روی آنچه مسلم است فرهنگ همواره در کنار تجارت پویا و فعال بوده و بسیاری از دستاوردهای فرهنگی ایران در زمینه نشر و توسعه فرهنگ و تمدن این سرزمین

^۹Masinko

^۸Washint

کهنسال نیز در سایه فعالیت های بازرگانان و بطور کلی افرادی که با انگیزه های تجاری رهسپار سرزمین های بیگانه شده اند حاصل گشته است .

۴- اتیوپیایی ها در ایران :

در متون فارسی دوره اسلامی مانند قابوسنامه از بندگان حبشی سخن به میان آمده که در قرون نخستین و میانه اسلامی در بازارهای ایران بفروش می رسیدند. ورود بردگان آفریقایی - منجمله اتیوپیایی ها - به ایران در قرون نخستین اسلامی و عمدتاً با هدف کار در کشتزارهای نیشکر در خوزستان آغاز شد و تجار عرب و پرتغالی وارد کنندگان این بردگان به ایران بشمار می رفتند . بیشتر برده های سیاه در آن دوره از کشورهای امروزی تانزانیا (و جمهوری خودمختار زنگبار) ، اتیوپی ، کنیا ، سومالی ، سودان ، موزامبیک و ملاوی وارد ایران شدند . (Mirzai,2017:164) برخی از اتیوپیایی ها و دیگر مردمان شاخ آفریقا (کشورهای امروزی اریتره ، سومالی و جیبوتی) نیز در بازارهای برده فروشی در مکه و مدینه توسط حجاج ایرانی خریداری و به ایران انتقال می یافتند . (آدمیت . ، ۱۳۵۴ : ۸۵) در اواسط ۱۸۰۰ میلادی واردات این برده ها رو به فزونی گذاشت و در دهه های ۱۸۲۰ ، ۱۸۳۰ و ۱۸۴۰ میلادی تعداد قابل ملاحظه ای از برده های سیاه عمدتاً از شرق آفریقا و کشورهای سودان، اتیوپی و تانزانیا آفریقا به ایران انتقال یافتند . بیشتر این برده ها در آن عهد به دسته های "بامباسی ها" یا "زنگی ها" از زنگبار و مناطق اطراف آن (دریاچه نیاسا) ، "نوبی ها" از سودان و "حابشی ها" آتیوپی تقسیم می شدند و معمولاً در شیراز تمرکز و در آنجا به فروش می رسیدند . (Mirzai,2017:165)

هرچند سیاه پوستان آفریقایی به عنوان عنصر مغلوب و در قالب برده وارد ایران شدند ولی پس از اضمحلال تدریجی ، در بین ایرانیان رسوخ یافته و رفته رفته به بخشی از جامعه ایرانی در مناطق جنوبی و سواحل جنوبی خلیج فارس مبدل گشتند . امروزه حضور سیاه پوستان ایرانی آفریقایی الاصل در جنوب ایران و بویژه در شهرهای اهواز ، خرمشهر ، آبادان ، بندرعباس ، بوشهر ، چابهار

^{۲۰} - احتمالاً صورت تغییر یافته مومباسا (بندر مومباسا کنونی در جنوب کنیا)

^{۲۱} - برده های اهل حبشه (اتیوپی) ، سومالی و جنوب سودان

، لاشار و ... کاملاً مشهود است و آنها با وجود رنگ پوست سیاه و موهای فر و مجعد و بینی های پهن خود را کاملاً ایرانی دانسته و بندرت به آفریقایی الاصل بودن خود اشاره می کنند . این در حالی است که مردمان بومی مناطق جنوبی هنوز بسیاری از این سیاهان را "حبشی" نامیده و بدین گونه بسیاری از آنها را درست یا نادرست به سرزمین امروزمین اتیوپی نسبت می دهند .

آنچه مسلم است هرچند بردگان آفریقایی بتدریج در جامعه ایرانی اضمحلال یافته و با پذیرفتن فرهنگ ایرانی ؛ بسیاری از شاخصه های فرهنگ خود را نیز از دست دادند ولی در عین حال این ایرانیان آفریقایی الاصل تاثیراتی را نیز بر جوامع بومی مناطق جنوبی ایران برجای نهاده و بخشی از شاخصه های سنتی خود همچون موسیقی ، آواز ، جشن ها ، باورهای خرافی و ... را بتدریج در بین مردمان ساکن سواحل خلیج فارس و دریای عمان رایج ساختند . (مطالعات میدانی نویسنده ، سواحل جنوب ایران ، اسفند ۱۳۹۴)

سنت زار^۲ امروزه در مناطق جنوبی ایران و بویژه در بین بلوچ های ایرانی سواحل دریای عمان رواج دارد یکی از سنت هایی است که توسط برده های آفریقایی (منجمله برده های اتیوپیائی) به ایرانیان معرفی و بتدریج در فرهنگ بومی این مناطق تثبیت گردیده است . با توجه به شباهت های موجود بین سنت قدیمی زار در اتیوپی (که ریشه در تاریخ این کشور باستانی دارد) و مناطق جنوبی ایران می توان گفت بدون شک این سنت از اتیوپی و دیگر کشورهای آفریقائی به سواحل جنوب ایران راه یافته و مورد پذیرش ایرانیان این منطقه قرار گرفته است . (مطالعات میدانی نویسنده ، سواحل جنوب ایران ، اسفند ۱۳۹۴) زار در اتیوپی اصطلاحی است که برای توصیف ارواح شرور یا دیوهایی که جسم مردمان خصوصاً زنان را دربرگرفته و موجبات پدید آمدن بیماری و مشکلات می شوند اطلاق می گردد . اعتقاد به وجود این ارواح شرور و مودی و نقش آنها در زندگی روزمره مردم از سنت های قدیمی مردم اتیوپی از قدیم الایام تاکنون محسوب می گردد . (۱۰۶:۱۹۸۰)

(Molvaer

^۲Zar

در ایران زار عموماً به بادهای مضرری تعبیر می‌گردد که باعث بیماری یا بروز برخی مشکلات در زندگی انسان‌ها می‌شود. این باده‌ها را در سواحل جنوبی ایران از خرمشهر تا چابهار "ماتوری"^{۲۳}، "سیک سنگر"^{۲۴} "دینگه مارو"^{۲۵} "اوماگار"^{۲۶} "بوماریوم"^{۲۷} "په" ^{۲۸} "بابور"^{۲۹} "بی بی" ^{۳۰} "نمرود"^{۳۱} ... نام نهاده‌اند. (بلوکباشی، ۱۳۹۱: ۱۴) وجود شباهت‌هایی انکارناپذیر بین سنت زار در اتیوپی و سنت زار در مناطق جنوبی ایران بخوبی نمایانگر تأثیرپذیری مردمان جنوبی ایران از بردگان سیاه و پذیرش این سنت خرافی از سوی بومیان مناطقی از سواحل جنوبی ایران است.

برخی از موسیقی‌های آفریقائی منجمله موسیقی‌های سنتی اتیوپی نیز در قرون هجده و نوزده میلادی به ایرانیان سواحل جنوبی ایران معرفی و در گذر زمان مورد پذیرش آنها قرار گرفت. "سبالو"، "لیوا"، "زار" و ... در زمره موسیقی‌های سنتی بخش‌هایی از مناطق جنوبی ایران بشمار می‌روند که ریشه آنها به کشورهای شرق آفریقا و همچنین اتیوپی بازمی‌گردد و شباهت انکارناپذیری بین این موسیقی‌ها و موسیقی‌های سنتی آفریقایی وجود دارد که بنوبه خود حکایت از تأثیرگذاری نه‌چندان کمرنگ بردگان آفریقایی بر مردمان مناطق جنوب ایران دارد. ^{۳۲} مطالعات میدانی نویسنده، سواحل جنوب ایران، اسفند ۱۳۹۴) آفریقائی‌ها بویژه سیاهان تانزانائی (و زنگباری) در زمینه معرفی زبان و فرهنگ سواحیلی به مردمان مناطق جنوبی ایران نیز تأثیرگذار بودند.

^{۲۳}.Maturi

^{۲۴}.Šayk Šangar

^{۲۵}.Dingemāru

^{۲۶}.Omagāre

^{۲۷}.Bumaryom

^{۲۸}.Pepe

^{۲۹}.Bābur

^{۳۰}.Bibi

^{۳۱}.Namrud

^{۳۲} -مبحث ایرانیان آفریقائی الاصل موسوم به " Afro Iranians " بسیار گسترده است و بردگان سیاهی که در گذر ایام در بین ایرانیان مستحیل گردیدند تأثیرات قابل توجهی را بر بومیان مناطق جنوبی بر جای نهادند که خود این امر موضوع تحقیق مفصلی است.

در بررسی تحلیلی این بخش باید گفت طبق نظریه دکتر لهسایی زاده " آشنایی مهاجران با فرهنگ و تمدن‌های مختلف بتدریج به تعاطی فرهنگی منجر می شود " هرچند اقوام مهاجر ایرانی در اتیوپی با دارا بودن فرهنگ برتر دستاوردهایی را در عرصه های فرهنگی تمدنی در این سرزمین رقم زدند با این حال در مسیر تاثیر و تاتر فرهنگی ؛ برخی از شاخصه های فرهنگی بومیان اتیوپی و دیگر کشورهای آفریقایی نیز که به عنوان اقوام فرودست به ایران انتقال داده شدند بتدریج و رفته رفته مورد پذیرش ایرانیان ساکن در مناطق جنوبی ایران قرار گرفتند که این امر هوشمندی و سیال بودن فرهنگ ایرانی در مسیر تعامل و پیوند با دیگر فرهنگ ها و جذب عناصر جدید را بخوبی به اثبات می رساند .

نتیجه گیری:

آنچه مشخص است مناسبات ایران با کشورهای مختلف جهان از جمله اتیوپی از گذشته های بسیار دور تاکنون از شکوفائی قابل ملاحظه ای برخوردار بوده است . این مناسبات که عمدتاً به دو بخش قبل از اسلام و بعد از اسلام تقسیم می گردد هرچند در مقاطعی به سیاست توسعه طلبی پادشاهان ایران باز می گردد ولی در مجموع نمایانگر گسترش فرهنگ ایرانی در مناطقی بسیار دورتر از خاستگاه فرهنگ و تمدن ایرانی است . در واقع پس از مهاجرت تاریخ ساز گروهی از ایرانیان به سواحل و جزایر شرق آفریقا در قرون نخستین اسلامی که منجر به تاسیس دولت شهرهای شیرازی با مرکزیت کیلوا در بخش هایی از شرق و جنوب شرق آفریقا گردید ؛ کشور اتیوپی را می توان از معدود کشورهای قاره آفریقا در نظر گرفت که رگه هایی از فرهنگ و تمدن ایرانی در آن مشهود است . این در حالی است که این کشور خود از کشورهای صاحب فرهنگ و تمدن غنی در آفریقا بوده و میراث دار تمدن های بزرگی محسوب می شود که پادشاهی آکسوم یکی از این تمدن ها محسوب می شود .

نکته جالب توجه در خصوص مناسبات دو کشور بر مبنای نظریه تبادل فرهنگی بین اقوام مختلف دکتر لهسایی زاده تاثیر و تاترگذار بودن دو فرهنگ ایرانی و حبشی است . در واقع بر مبنای سوال اصلی مقاله " چه عواملی کنشگران اصلی در فرآیند تعامل فرهنگی اجتماعی دو کشور بشمار می

روند؟ " تلاش شد به سوال این گونه پاسخ داده شود که هرچند فرهنگ ایرانی به عنوان فرهنگ غالب تاثیرات قابل توجهی در عرصه های مختلف بر مردمان اتیوپی برجای نهاده و این تاثیرات علیرغم سپری شدن مدت زمانی طولانی همچنان مشهود است در عین حال شاخصه های کمرنگی از فرهنگ اتیوپی نیز بر مناطق جنوبی ایران اثرگذار بوده است. فرضیه اصلی " تاثیر و تاثر متقابل فرهنگی دو ملت بزرگ ایران و اتیوپی بر یکدیگر " نیز بدین گونه اثبات گردید که با توجه به میزان تاثیرگذاری فرهنگ ایرانی بر اتیوپی و اینکه امروزه برخی واژه های فارسی در زبان امهریک کاربرد ثابتی یافته و ایرانیان در زمینه معرفی دین اسلام به مردم این کشور نیز نقش آفرین بوده اند؛ کفه ترازو در این تعاملات آشکار به نفع ایران بوده است. با این حال این واقعیت که برخی از باورها و سنت های قومی قبیلگی بومیان اتیوپی (و البته دیگر کشورهای آفریقائی) نیز در بین مردمان سواحل جنوبی ایران راه یافته است بخوبی سیال بودن فرهنگ غنی ایرانی در تاثیرگذاری و تاثیرپذیری تواما را نیز به اثبات می رساند. علاوه بر آن تلاش گردید این خصوصیت بارز فرهنگ ایرانی که همواره انعطاف خود را در تقابل با دیگر فرهنگ ها حفظ نموده، شاخصه های ولو کمرنگ از فرهنگ و تمدن های به ظاهر مغلوب و فرودست را نیز در خود جای داده و یکی از رازهای بزرگ ماندگاری تمدن بزرگ ایرانی در سرتاسر تاریخ این سرزمین بشمار می رود بطور بارز و در قالب بررسی روابط فرهنگی تمدنی ایران و یکی از کشورهای باستانی قاره آفریقا به اثبات رسد.

این مقاله تلاشی برای ورود به عرصه فراخ مناسبات ایران و اقوام و تمدن های آفریقایی از دورترین زمان تاکنون بشمار می رود و همانطور که در مقدمه نیز اشاره شد هدف اصلی نیز دانش افزائی و ارائه اطلاعاتی بکر و دست اول از مناسبات ایران و اتیوپی در بخش های فرهنگی اجتماعی از قدیم الایام تاکنون بوده است.

امید است دیگر فرزندانگان ایرانی نیز همت گمارده و با ورود به این عرصه نسبتا ناشناخته دیگر افتخارات بزرگ فرهنگ و تمدن ایران زمین را در بخش های مختلف قاره عظیم آفریقا نمایان و مورد واکاری قرار دهند.

منابع:

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۵۴) " امیرکبیر و ایران " تهران ، انتشارات خوارزمی
 ۲. پیرنیا، حسن (۱۳۴۵) " تاریخ ایران باستان "جلد اول، تهران ، آسیا
 ۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۱) "دو قرن سکوت " تهران ، امیرکبیر .
 ۴. آذری ، علالدین (۱۳۵۰) "مجله (نشریه) بررسی های تاریخی " شماره ۳۲
 ۵. ۲-بلوکباشی، علی (۱۳۸۱) " اهل هوا " دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱ ، تهران
 ۶. ۳-تارتار، مهدی(۱۳۹۱) " نگاهی به تاریخچه روابط ایران و اتیوپی " ویژه نامه آفریقا ، تهران
- ، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۷. ۴-شفا، شجاع الدین (۱۳۴۲) " گزارش مختصر مربوط به آفریقا " تهران ، شورای فرهنگی
- سلطنتی ایران

مطالعات میدانی :

۸. گفتگو با سیدکاظم مهرنیا ، رایزن فرهنگی وقت ج.ا.ایران در اتیوپی ، تهران ، اسفند ۱۳۹۵
۹. گفتگو با دکتر کاسای بگاشاو ، عضو هیات علمی گروه باستان شناسی دانشگاه آدیس آبابا ، آدیس آبابا، ۵ بهمن ماه ۱۳۹۵
۱۰. گفتگو با دکتر حسن سعید ، عضو هیات علمی گروه باستان شناسی دانشگاه آدیس آبابا ، آدیس آبابا ، ۶ بهمن ماه ۱۳۹۵
۱۱. مطالعات میدانی نویسنده (مشاهده بصری) آدیس آبابا، بهمن ۱۳۹۵
۱۲. مطالعات میدانی نویسنده (مشاهده بصری) ، مناطق جنوبی ایران ، بهمن ۱۳۹۴
۱۳. A. Dandamaev, Vladimir G Lukonon, Philip L Kohl (2004) "The Culture and Social Institutions of Ancient Iran"
۱۴. Amini, Sam (2001) "Pictorial History of Iran: Ancient Persia before Islam 15000 B.C.—652 A.D" Author house

۱۵. Budge, E. A. Wallis (2015) *a History of Ethiopia: Volume I (Rutledge Revivals): Nubia and Abyssinia*, London, Rutledge Publication.
۱۶. E, Van Donzel (1979), *Foreign Relations of Ethiopia, 1642-1700: Documents Relating to the Journeys of Khodja Murad, Leiden and Istanbul*.
۱۷. Kane, Thomas Leiper (1990) "Amharic-English Dictionary," Otto Harrassowitz Verlag
۱۸. Kent, Roland G (1950) *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*, American Oriental Series XXXIII, New Haven / Connecticut: American Oriental Society
۱۹. Kobischanov, Yuri (1979) "Axum" University Park: Pennsylvania State University press.
۲۰. Mirzai, Behnaz A (2017) "A History of Slavery and Emancipation in Iran, 1800-1929," University of Texas Press
۲۱. Munson, Rosaria Vignola (2013) "Herodotus: Volume 1: Herodotus and the Narrative of the Past" OUP Oxford.
۲۲. Petráček.K (1957) "Jakub Řimar aus Kromeriz," *Archiv Orientální*
۲۳. R. Morkot, "Nubia and Achaemenid Persia: Sources and Problems," in H. Sancisi-Weerdenburg and A. Kuhrt, eds., *Achaemenid History VI. Asia Minor and Egypt: Old Cultures in a New Empire*, Leiden, 1991.
۲۴. Rossini, Conti (1928) "Storia d' Etiopia," Bergamo
۲۵. Stuart Munro-Hay (2002) "Ethiopia, the Unknown Land: A Cultural and Historical Guide" I.B.Tauris.
۲۶. Trimingham, Spencer J (1952) "Islam in Ethiopia" Oxford: Geoffrey Cumberlege for the University Press.
۲۷. Vycichl (1957) "Le Titre de Roi des Rois," *Annales d'Éthiopie*
۲۸. Wossen Asserate, Asfa (2017) "King of Kings: The Triumph and Tragedy of Emperor Haile Selassie I of Ethiopia" Haus Publishing
۲۹. Molvaer, Reidulf Knut (1980) "Tradition and Change in Ethiopia: Social and Cultural Life As Reflected in Amharic Fictional Literature" Ca.1930-1974 "BRILL
۳۰. "Dirre Sheik Hussein Religious, Cultural and Historical Site "available (1395/۱۲/۲) online at:<http://whc.Unesco.org/2017>
۳۱. ETHIOPIA, RELATIONS WITH PERSIA "available (139۸/۱/۱) online at:<http://www.iranicaonline.org>

۳۲. "ETHIOPIA "available (139۸/۲/۱۱)online
at:<http://www.everyculture.org/Ethiopia/2012>
۳۳. "Words in Amharic" " available (139۸/۳/۱۴) online at:
<http://amharicteacher.com/home/2016>

A Survey on Civilization and Cultural Relations of Iran and Ethiopia from the Rise of Islam to the end of safavid's Era

Abstract:

In this article, the cultural and civilization relations between the two countries of Iran and Ethiopia have been studied, from the advent of Islam (focusing on several centuries past) in various fields and based on existing sources. The main question of this article is "what elements have been influential on civilization & cultural components of two countries" and the main hypothesis is "The Cultural Impacts of Two Nations of Iran and Ethiopia on Each Other. The paper's framework is based on the theory of "cultural exchange among different ethnic groups" by Dr. Lahsae Zadeh, and the socio-cultural results derived from these are independent research variables. The aim of the article is to analyze and provide first-hand information on the cultural relations of the two countries. In connection with the research findings, in this article, using the method of analysis and description, it has been tried to study the main factors affecting the process of social and cultural interaction of the two countries.

Keywords: Ethiopia, Iran, Cultural Exchanges, Amharic, Persian Words